خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
دو شنبه،۱۰ دی ۱۴۰۳ • شماره ۲۱۶۷۱
۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۶ • ۳۰ دسامبر۲۰۲۴

درگفت وگوی خبرنگار روزنامه خراسان با عامل ۶ جنایت بیان شد

قاتل برنجی: عذاب وجدان ندارم!

سید خلیل سجادپور
info@khorasannews.com

مرد ۳۱ ساله ای که به دلیل قتل های سریالی تحت تعقیب کارآگاهان پلیس آگاهی مشهد قرار گرفت و با دستورهای ویژه قاضی وحید خاکشور در یکی از روستاهای تربت حیدریه دستگیر شد، نه تنها تاکنون به قتل ۶ نفر از نزدیکانش اعتراف کرده است، بلکه ادعا می کند فهرستی از طعمه های دیگر را هم در نوبت «مرگ» داشت که یکی از آنان هم به طرز معجزه آسایی نجات یافت.

تحقیقات از این متهم خطرناک که از سوی روزنامه خراسان لقب «قاتل برنجی» گرفت (چرا که قتل های وحشتناک خود را با قرص برنج انجام می داد) زیر نظر مستقیم سرهنگ ولی نجفی (رئیس دایره قتل عمد آگاهی) همچنان ادامه دارد.

آنچه می خوانید گفت و گوی خبرنگار ارشد روزنامه خراسان با عامل قتل های برنجی درباره سرگذشت وی و ماجرای قتل های سریالی است.

خودت را معرفی می کنی؟ مهران هستم تا مقطع فوق دیپلم در رشته زبان و ادبیات فارسی درس خواندم و ۳۱ سال دارم.

فرزند طلاقی؟ بله! نوزادی ۶ ماهه بودم که مادرم طلاق گرفت و من راهی پرورشگاه شدم. مادرم زن دوم پدرم بود که با هم نساختند! من هم تا ۶ سالگی در پرورشگاه بودم که پدرم به دنبالم آمد و مرا تحویل گرفت. ابتدا به مدت یک سال نزد مادرم رفتم ولی بعد نزد نامادری بزرگ شدم چرا که مادرم دیگر مرا قبول نکرد ولی نامادری ام مرا با قاشق داغ می کرد و کتکم می زد. تابستان ها هم مرا به منزل مادربزرگم می فرستادند؛ اما آن جا هم از رفتارهای زشت و شرم آور عمویم عذاب می کشیدم تا این که از ۱۵ سالگی شاگرد قنادی شدم و ۲ سال بعد هم برای خودم خانه مجردی گرفتم.

در چند سالگی ازدواج کردی؟ بیشتر از ۱۸ سال داشتم که روزی در پارک مادر قاسم آباد با دختر ۱۶ ساله ای آشنا شدم و بعد از مدت خیلی کوتاهی به خواستگاری اش رفتم اما ۶ ماه از آغاز نامزدی نگذشته بود که او را با قرص برنج کشتم و او اولین قتل من بود!

چرا به چه انگیزه ای او را کشتی؟ خودم هم نمی دانم چه شد! شنیده بودم قرص برنج خیلی سریع انسان را می کشد اما فکر نمی کردم او بمیرد! نه این که قصد امتحان داشته باشم در واقع اصلا نفهمیدم چه شد!

ماجرای فرارت از خانه چه بود؟ آن ماجرا مربوط به سال ۸۵ بود. قبل از آن که به مدت ۲ سال ترک تحصیل کنم به خاطر مشکلاتی که با نامادری ام داشتم یک روز ۵ میلیون تومان پول از خانه برداشتم و به تهران رفتم ولی زمانی که به دنبال سوئیت اجاره ای در خیابان مولوی تهران می گشتم، چند نفر روی سرم ریختند و نیمی از پول ها را سرقت کردند. به همین خاطر از همان جا به پایانه مسافری رفتم که دیدم شاگرد اتوبوس فریاد می زند «گرگان-گرگان» من هم بی هدف سوار شدم و برای اولین بار به گرگان رفتم. در همین زمان پدرم، تصویرم را در روزنامه منتشر کرده بود که بعد از ۵۲ روز با یکی از دوستانم از طریق سیم کارت ایرانسل تماس گرفتم و ساعاتی بعد هم پدرم را بالای سرم دیدم! او مرا به مشهد بازگرداند ولی پدرم را متقاعد کردم که نمی توانم با نامادری ام زندگی کنم!

بعد از قتل همسرت ناراحت نبودی؟ چرا من فقط به خاطر همسر اولم ناراحت بودم و بعد از این ماجرا هم ۳ بار خودکشی کردم که باز هم از مرگ نجات یافتم ولی برای بقیه قتل ها هیچ عذاب وجدانی ندارم. احساس پشیمانی هم نمی کنم! ۲ بار در بیمارستان مهرگان بستری شدم و یک بار هم به خاطر خودکشی با قرص مرا به بیمارستان امام رضا(ع) بردند. همه این ها در فاصله کوتاهی رخ داد. یک بار الکی قرص اعصاب خوردم، یک بار در کوچه تاریک قاسم آباد رگ دستم را زدم که بچه های محل دیدند و با اورژانس تماس گرفتند اما یک بار که بعد از مرگ همسرم قرص برنج خوردم تا دم مرگ رفتم ولی پزشکان گلویم را خیلی زود سوراخ کردند که آثار آن هنوز باقی است.

چرا از این همه آدم کشی پشیمان نیستی؟ از خانواده های آشفته و نابسامان متنفرم! خودم در خانواده آشفته بزرگ شدم. بچه طلاق بودم، وقتی زندگی های متلاشی شده و به هم ریخته را می دیدم حالم بد می شد. دوران کودکی از مقابل چشمانم عبور می کرد! گذشته ام را در تکرار طلاق می دیدم و نمی توانستم آن را هضم کنم که پدری خانواده اش را رها کند.

قصد کشتن چند نفر دیگر را داشتی که دستگیر شدی؟ نامادری و عمویم را هم می کشتم. در عراق هم ۲۲ نفر بنگلادشی بودند که مرا کتک زده بودند. به همین خاطر آن ها هم در فهرست مرگ قرار داشتند ولی وقتی به ایران آمدم دیگر دستگیر شدم.

چرا در عراق قصد قتل داشتی؟ چون من در عراق کار می کردم و مدام بین عراق و ایران در رفت وآمد بودم. در عراق آرامش بیشتری داشتم.

مواد مخدر هم مصرف می کنی؟ تا به حال تریاک و شیشه مصرف می کردم اما این اواخر به مصرف قرص و شربت متادون روی آوردم. اولین بار هم ۱۴ سال داشتم که عمویم به منزلمان در فلاحی قاسم آباد آمد و مرا تشویق کرد تا چند دود بکشم! چون خودش معتاد بود. بعد از آن هم خودم تریاک خریدم ولی شیشه را از سال ۹۹ شروع کردم.

با همسر دومت کجا آشنا شدی؟ در کل زندگی ام ۳ تا دوست دختر داشتم که یک بار بدجوری شکست عشقی خوردم. حدود سال ۹۲ بود که با دختری در فضای مجازی چت روم آشنا شدم. آن زمان به خاطر خودکشی در گلویم لوله گذاشته بودند و نمی توانستم حرف بزنم. چون ۱۰ بار عمل جراحی کردم و گردنم گوشت اضافی داشت ولی به خاطر اختلاف طبقاتی پدرش مخالفت کرد. آن زمان در بندر عباس کار می کردم که مادرش متوجه ارتباط ما شد و گوشی را از دخترش گرفت. حدود ۲ سال ارتباط ما قطع شد و در حالی که او را فراموش کرده بودم ناگهان یک روز پیام داد و دوباره روابط ما شروع شد. با این حال، آن دختر در یکی از رشته های زیر مجموعه پزشکی قبول شد و مرا رها کرد. بعد هم در سال ۱۴۰۰ با همسر دومم (مقتول) در منطقه سجادیه آشنا شدم که با یکی از دوستانش به آن محل آمده بود. ۲ سال بعد هم او را کشتم. البته قبل از او مادرزن و خواهرزنم را با قرص برنج کشته بودم.

از قتل پدر و برادر ناتنی خودت هم ناراحت نشدی؟ نه! چون خیلی سختی کشیدم! اصلا پشیمان نیستم!

تصویر عامل قتل های برنجی در اولین جلسه بازپرسی

عکس ها اختصاصی خراسان

ریشه این قساوت و جنایت ها را در چه می دانی؟ طلاق! چون هیچ چیز سر جای خودش نبود. از همان کودکی احساس نفرت در وجودم ریشه دواند، نه مادری! نه پدری! خانواده به هم ریخته! فقط «طلاق» اصل ماجرا بود.

اگر زمان به گذشته برگردد چه اشتباهی را جبران می کنی؟ فقط با خانواده ای ازدواج می کردم که پدر و مادر با هم بالای سرشان باشد! همسرم مانند خودم بچه طلاق نباشد! این ها همه ریشه در ازدواج اشتباه دارد. البته عشق و عاشقی های خیابانی هم نقش مهمی در اشتباهات زندگی من داشت. باید مسیر درست را می رفتم که به این جا نمی رسید!

برای دیگر جوانان چه توصیه ای داری؟ من که خودم در خانواده آشفته بزرگ شدم چه توصیه ای می توانم برای دیگران داشته باشم! فقط فریاد می زنم پدر و مادرها طلاق نگیرید! تا حد امکان تلاش کنید تا زندگی مشترک از هم نپاشد!

مهم ترین اشتباه زندگی ات را در چه می دانی؟ وقتی یک نفر را نداری که دست نوازش به سرت بکشد، وقتی کمبود محبت در وجودت فریاد می زند، آن گاه برای فرار از این شرایط به خانه مجردی و عشق های خیابانی روی می آوری که فرجامی جز این بدبختی ها و فلاکت ها نخواهد داشت! البته باید اشتباه پدر و مادر خودت را هم به خاطر ازدواج اشتباه و طلاق به این ماجرا اضافه کنی!

مشروب هم می خوری؟ مصرف مشروبات را از زمانی شروع کردم که با همسر دومم آشنا شدم! قبل از آن مقید بودم. حتی به مهمانی هم نمی رفتم حالا هم که آخر خط هستم دیگر چه بگویم. فقط منتظرم تا اعدامم کنند!

در امتداد تاریکی

پارتی شیطانی!

برای فرار از جنگ و جدال های خانوادگی، به جست و جوی محبت در بیرون از منزل روی آوردم و به امید ازدواج با جوانی پرایدسوار، عشقی خیابانی را تجربه کردم اما خیلی زود او مرا به یک پارتی شیطانی کشاند و ...

به گزارش اختصاصی روزنامه خراسان، دختر ۱۵ ساله که پس از فرار از منزل در گیر هوسرانی های پسری شیطان صفت شده بود با بیان این که اشتباهی شرم آور زندگی ام را نابود کرد، به کارشناس اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: پدرم کارگر خدماتی یکی از ادارات نیمه دولتی است که با سختی و زحمت نان حلالی سر سفره خانواده اش می گذارد اما درگیری و مشاجره های او با مادرم پایانی نداشت به گونه ای که با هر بهانه ای به جنگ و جدل می پرداختند و من از این وضعیت بسیار رنج می بردم. به همین خاطر عشق و محبت را در بیرون از منزل جست وجو کردم و به عشقی هیجانی و خیابانی دل باختم که احساس می کردم به سوی خوشبختی می روم.

کیارش هم که به نقطه ضعف من پی برده بود، مدام از رویاهای زیبا و دنیایی عاشقانه سخن می گفت و من همه وعده ها و حرف هایش را باور می کردم. بارها با او در پارک و سینما و کافی شاپ قرار می گذاشتم و در دنیایی هیجانی و پر از عشق پوشالی زندگی می کردم تا این که کیارش پیشنهاد قدم زدن در خیابان های خلوت و تاریک نیمه شب را مطرح کرد. ابتدا می ترسیدم ولی خیلی زود به شیوه های فرار از خانه اندیشیدم. طولی نکشید که بدون تامل در فرجام این رفتار دلهره آور و هوس آلود زمانی که همه اعضای خانواده ام در خواب بودند به آرامی از رخت خواب بیرون آمدم و راهی محل قرار شدم. کیارش با دو دختر و یک پسر دیگر درون پراید منتظرم بود. هنوز نمی دانستم که افراد داخل خودرو چه کسانی هستند که خود را در یک پارتی شبانه دیدم. تازه فهمیدم همه این ها یک دام شیطانی است و آن دختران هم مانند من فریب دوستان شیطان صفت خود را خورده اند و طعمه عشق های خیابانی شده اند. یک لحظه تصویر پدرم از مقابل چشمانم عبور کرد که با چه سختی و زحمتی برای حفظ حرمت خانواده اش تلاش می کند. از خودم بدم آمد و عرق شرم بر پیشانی ام نشست ولی دیگر فریب نقشه شوم کیارش را خورده بودم. او روز بعد مرا در یکی از خیابان های شهر پیاده کرد و انگار نه انگار که آینده ام را به بازی گرفته است. گریه و التماس و حتی فریادهایم به جایی نرسید. آن پسر سنگدل با همین شیوه دختران را فریب می داد و من هم یکی از قربانیان عشق های هوس آلود خیابانی بودم.

روی بازگشت به خانه را نداشتم و از خودم متنفر بودم. به همین دلیل به کلانتری آمدم و کارشناس اجتماعی را امینی دلسوز یافتم؛ اما ای کاش ...

گزارش اختصاصی روزنامه خراسان حاکی است: با توجه به اهمیت ماجرا، بررسی های مشاوره ای با دعوت از پدر و مادر دختر جوان در حالی با راهنمایی های تجربی و پلیسی سرگرد احسان سبکبار (رئیس کلانتری شفای مشهد) در دایره مددکاری آغاز شد که تحقیقات پلیس نیز با هماهنگی های قضایی برای بازداشت پسر شیطان صفت ادامه یافت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی

صفحه آرایی
واحد صفحه‌آرایی روزنامه خراسان سفارش می پذیرد
۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰
layout@khorasannews.com

آگهی مناقصه عمومی
شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۳۰۹۵۰۰۵۰۰۰۰۲۴
موضوع: خرید تابلو و علائم انتظامی مناطق به همراه تمامی متعلقات
مبلغ برآورد: ۵۰،۷۷۰،۹۸۳،۰۰۰ ریال
جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید.
این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir نیز درج می‌گردد.
سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل‌ونقل شهرداری مشهد
۱۰۳۴۲۲

آگهی مناقصه عمومی
شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۳۰۹۵۰۰۵۰۰۰۰۲۳
موضوع: خرید تابلو و علائم انتظامی به همراه تمامی متعلقات
مبلغ برآورد: ۷۹،۹۷۷،۲۷۰،۰۰۰ ریال
جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید.
این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir نیز درج می‌گردد.
سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل‌ونقل شهرداری مشهد
۱۰۳۴۲۰

آگهی مناقصه عمومی
شماره فراخوان سامانه ستاد ۲۰۰۳۰۹۵۰۰۵۰۰۰۰۲۱
موضوع: تعمیر و نگهداری سامانه دوربین نظارت تصویری، تابلوهای پیام متغیر و شبکه انتقال اطلاعات ترافیکی مرکز کنترل ترافیک
مبلغ برآورد: ۶۸،۵۳۹،۸۴۶،۰۰۰ ریال
جهت کسب اطلاعات بیشتر، دریافت اسناد و شرکت در مناقصه، به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir مراجعه نمایید.
این آگهی در روزنامه رسمی به آدرس www.rrk.ir نیز درج می‌گردد.
سازمان مدیریت و مهندسی شبکه حمل‌ونقل شهرداری مشهد
۱۰۳۴۱۸

مجمع عمومی فوق العاده
مجتمع تجاری امید
از مالکین محترم واحدهای تجاری دعوت بعمل می آید تا در جلسه ای که در خصوص انتخابات هیات مدیره در مورخه ۱۴۰۳/۱۰/۱۶ساعت ۱۵ در محل مجتمع برگزار می شود شرکت نمایند.
خیابان آیت ا..شیرازی-نبش شیرازی ۵
مجتمع تجاری امید
۱۰۳۳۷۶

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله ای مناقصه شماره: ۱۲-۰۳ (نوبت اول)
۱-دستگاه برگزارکننده مناقصه: شرکت آب منطقه ای خراسان شمالی
۲-موضوع مناقصه: خرید،نصب ،راه اندازی و بهره برداری ۲۵ عدد دیتالاگر بارانسنج الکترونیکی
۳- برآورد اولیه: حدود ۲۲ میلیارد ریال
۴- مبلغ تضمین شرکت درفرآیند ارجاع کار: ۱،۱میلیارد ریال با اعتبار حداقل ۳ماه وقابل تمدید تا ۳ماه دیگر
۵-محل دریافت اسناد مناقصه: سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد)به نشانی www.setadiran.ir
۶- مهلت دریافت اسناد مناقصه: ازروز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ تا ساعت ۱۴ روز شنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۵
۷- محل تحویل اسناد مناقصه: بارگزاری در سامانه تدارکات الکتریکی دولت (ستاد)
۸- مهلت تحویل اسناد مناقصه: تا ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۶
۹-محل وزمان گشایش پیشنهادها: ساعت ۹صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۶ شرکت آب منطقه ای خراسان شمالی
شرکت آب منطقه ای خراسان شمالی
۱۰۳۴۵۵

جاسکو
آگهی مزایده عمومی
شرکت کارخانجات ریسندگی،بافندگی و پوشاک جامعه در نظر دارد مقداری ضایعات تولیدی و غیر تولیدی، رنگ و مواد شیمیایی، جوهرهای پرینتر، دکمه و خرجکار، نخ های (پشم / پلی استر) و (ویسکوز / پلی استر) در نمرات مختلف زیر ۵ کیلوگرم را از طریق مزایده عمومی به فروش رساند.
*لذا از کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی دعوت می شود تا جهت بازدید و دریافت فرم مزایده در ساعات اداری از تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ لغایت ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ پس از هماهنگی با شماره تلفن ۵-۳۲۶۰۵۱۰۰ داخلی ۲۲۳ واحد بازرگانی به نشانی زیر مراجعه نمایند:
مشهد کیلومتر ۷ جاده کلات روبروی پاسگاه خلق آباد
۱-آخرین مهلت ارائه و تحویل پیشنهادات تا پایان وقت اداری روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۱۷ می باشد.
۲-محل ارسال و تحویل پیشنهادات نشانی مذکور واحد بازرگانی می باشد.
۳-مزایده گزار در قبول یا رد هر یک از پیشنهادات مختار است.
۴-هزینه آگهی بر عهده برنده مزایده خواهد بود.
۵-شرکت کنندگان می بایست مبلغ دویست میلیون ریال بعنوان سپرده به شماره حساب ۸۰۰۱۵۰۰۰۰۰۰۰۲۴۸۲۰۰۰۳۳۹۱ بانک سپه ممتاز-شرکت کارخانجات ریسندگی،بافندگی و پوشاک جامعه واریز نمایند.
۱۰۳۴۹۹